

صنعت سرگرمی سوءاستفاده از تجهیزات نظامی است!

ادبیات الکترونیک در سفر «پیدا»ش



عزت‌الله عنتری
پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی

نخستین ساعات پامداد ۲۵ خرداد است. نور آبی صفحه نمایش صورتم را روشن کرده است. صفحه ژرد لپ‌تاپ فیش های الکترونیک پایان نامه ام را نشان می دهد. جمله فردریش کینلر دقیقاً مقابل چشمانم نشست: «صنعت سرگرمی سوءاستفاده از تجهیزات نظامی است.»

طنز غریبی است. همان دفعه اول که خواندمش، پوزخندی زدم، و به عنوان یک کاریکلماتور شاهکار در ذهنم جا خوش کرد. هرچه بیشتر به آن فکر می‌کنم، بیشتر مسحور ریشخند بنوع آمیزش می‌شوم. یعنی این همه پویانمایی، بازی، رمان، تصویری، تجربه های واقعیت مجازی، شعرهای تعاملی،

این همه «تفریح» که درونشان غلت می‌زنیم بقایای میدان جنگ اند؟! حالا جمله کینلر از زهرخند عبور می‌کند و بدل می‌شود به آینه ای تاریک که در آن چهره امروز روایتگری الکترونیک را تماشا می‌کنم: ژانرها، ابزارها، بازی ها و اسباب بازی ها، بسیاری شان، وام دار فناوری هایی اند که در آغاز برای خواندن ذهن دشمن، برای شبیه سازی صحنه نبرد، برای به دام انداختن یا فریب توسعه یافتند.

همین حالا، پشت همین صفحه‌کلید، دارم می‌نویسم با زبانی که روزی به خدمت رادارها و سیستم های رمزنگاری درآمده بود، دارم می‌خوانم از ژانرهایی که با واقعیت مجازی و افزوده کار می‌کنند. فناوری هایی که پیش از آنکه خیال پردازی شاعرانه را امکان پذیر کنند واقعیت میدان نبرد را بازسازی می‌کردند.

بیاپید این جمله را، نه به عنوان یک شوخی، بلکه به عنوان بخشی از شناسنامه ادبیات الکترونیک مرور کنیم.

وقتی در دهه ۱۹۶۰ وزارت دفاع آمریکا بودجه هتگفتی را صرف طراحی سیستم هایی کرد که بتوانند تعامل سرباز با ماشین را بهبود دهند، نمی‌دانستند روزی این فناوری به موتور روایتگری داستان های تعاملی تبدیل خواهد شد. پروژه هایی مثل Project MAC، که به ساخت شبکه های اولیه و شبیه سازی های نظامی انجامید، بعدتر زیرساخت ظهور رابط های چندرسانه ای شد. همان چیزی که بعدها در قالب داستان های فرامنتی، بازی های روایی یا آثار واقعیت مجازی ادبی بازتولید شد.

حتی HTML، زبان ساده وب، در دوران آغازینش، بدون تأثر از مدل های دسته بندی اطلاعات ارتش آمریکا شکل نمی‌گرفت. آیا آن ها می‌خواستند بستری برای شعر دیجیتال بسازند؟ نه. آن ها می‌خواستند پیام را در شبکه ای نظامی رمزنگاری و بازبایی کنند. ادبیات اما راه خود را در دل همین مدارها پیدا کرد.

وقتی امروزه در ادبیات الکترونیک با آثاری مواجه می‌شویم که بر واقعیت مجازی یا واقعیت افزوده متکی اند – آثاری که تنها در تجربه بدنمند و حضور در محیط های شبیه سازی شده شکل می‌گیرند – فراموش می‌کنیم که همان عینک های VR، همان دوربین های موقعیت یاب، همان سامانه های هم زمان ساز، روزی، برای آموزش خلبان های جنگنده یا بازسازی شرایط جنگی طراحی شده بودند.

ادبیات الکترونیک، برخلاف شعرهای رمانتیک، نه در دل دشت و کوه زاده شد، نه کنار آب و آینه، بلکه در آزمایشگاه هایی متولد شد که روزگاری محلی برای آزمودن تجهیزات جنگی بوده اند.

امروز مخاطب، هنگام درگیرشدن در یک بازی روایتی یا اثری تعاملی، حرکاتش ثبت می‌شود، انتخاب هایش رصد می‌شود، و این الگوهای رفتاری الگوریتم ها برابری خلق تجربه های بعدی تغذیه می‌کنند. این الگو همان چیزی است که در سیستم های جنگی «رصد رفتار دشمن» نام داشت. حالا اما این دشمن مخاطب بی‌گناهی است که صرفاً دارد بازی می‌کند یا داستان می‌خواند.

تجربه این روزهای پراشوب باعث شده یک پرسش بیش از هر زمان ذهنم را پُر کند، -حالا که ابزارها ازان ما شده اند، حالا که نویسنده می‌تواند از واقعیت مجازی بهره بگیرد، حالا که روایتگری به شبکه، به چندرسانگی، به تجربه حسی گره خورده، آیا می‌توان از دل همان زیرساخت های جنگی به صلحی عمیق تر اندیشید؟ آیا می‌توان از میان زباله های فلزی و سمی جنگ ادبیاتی ساخت که، نه ابزار تسلط، که بستر تفاهم باشد؟

شاید آنچه صنعت نظامی برای محاصره ذهن انسان ساخته بود، اکنون، به کار بازبایی تخیل او بیاید، و این شاید تنها رهایی ممکن ما باشد: تصاحب سلاح ها، برای گفتن داستان هایی انسانی تر.

اما خوب می‌دانم که این رؤیایی زنانه است، شبیه همان امید خاموش در دل مادرانی که سوتلانا الکسیویچ از آن ها نوشت، زانی که در میان تکه پاره های میدان جنگ هنوز تصویر روشنی از زندگی در سر داشتند.

می‌دانم که «جنگ چهره زنانه ندارد»، اما این خیال، این میل به تسخیر ابزار جنگ برای احیای صلح آرزویی زنانه است. آرزویی که شاید هنوز هم، با همه ناامیدی های جهان، ارزش زنده ماندن و نوشتن داشته باشد.

شماره ۱۶۸ مجله «بخارا» منتشر شد

یادنامه ای برای داریوش مهرجویی

خادم

شماره تازه مجله «بخارا» با تصویری از داریوش مهرجویی بر روی جلد منتشر شد.

برخی از مطالب این شماره عبارت اند از: «دریای پارس از دیرباز» (ژاله آموزگار)، «یادی از علامه دهخدا: دهخدا، منتسکیو» (احسن انوری)، «پرتو قرآن در کلمات سعدی (۱۹)» (سیدمصطفی محقق داماد)، «ز یاقوت سرخ است چرخ کبود» (سجاد آیدنلو) و «داستان داستان نویسی (۳۲)» (حسن میرعبادی).

در یادنامه داریوش مهرجویی نیز، علاوه بر سال شمار زندگی و آثار این کارگردان به قتل رسیده، و فیلم شناسی و کتاب شناسی او، مطالبی به قلم بهاء‌الدین خرمشاهی، سیدمحمد بهشتی، امیرنادر، ته‌مینه میلانی، بهمن مقصودلو، هوشنگ گل‌مکانی، سرگه بارسقیان، ناصر زراعتی، علیرضا شجاع نوری، سعید عقیقی، لیلا حاتمی، نیکي کریمی، هما یون ارشادی، محمود کلاری، مریم مهرجویی، فریار جواهریان و دیگران آمده است. گفت‌وگوی علی مصفا و مانی

حقیقی با عنوان «سی سال

کار و دوستی با داریوش مهرجویی» از دیگر مطالب این یادنامه است.

گفت‌وگو با کائانه میناوت، نویسنده ژاپنی، و فاضل اسکندر، نویسنده ایرانی تبار اهل ایران نیز از جمله مطالب بخش «ادبیات جهان» این شماره مجله «بخارا» است. شماره ۱۶۸ مجله «بخارا» در ۶۷۲ صفحه و به بهای ۵۰۰ هزار تومان منتشر شده است.



۲۳شنبه
۲۶ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۳۴۴۰
۳۵۱۱

۱۰



فرهنگ و ادبیات

خادم



جنگ بحرانی ساخته دست بشر است که دامنه‌و شدت آن می‌تواند از هر بحران طبیعی ای بیشتر باشد. بحران های طبیعی ای مانند سیل وزلزله، معمولاً در جغرافیایی محدود و در زمانی کوتاه رخ می‌دهند، اما جنگ بحرانی است که می‌تواند بخش های وسیعی از یک کشور یا تمامی آن را مدتی طولانی -گاه تا سال ها- درگیر کند. اگر یک بحران طبیعی حتی به اندازه یک جنگ تلفات بد دهد، باز یک تفاوت اساسی با آن دارد: وقوع دفعی و ناگهانی و گذرا و ویژگی های بحران طبیعی است که آن انتظار کشنده و طولانی و مستند نزول بلای جنگ را ندارد؛ از این رو، اضطراب و استرسی که انسان هابابت جنگ تحمل می‌کنند ممکن است به مراتب بیش از یک بحران طبیعی باشد.

خبرنگاری بحران در زمانه جنگ نیز از همین رو مهم تر است و حیاتی تر. در این بحران، جز رسانه ها، به خصوص رسانه های مرجع، که مسئولیتی خطیر و سخت دارند و باید سرعت بالا، دقت بسیار و شفافیت داشته باشند تا در نهایت بتوانند اعتماد مخاطب را جلب کنند، مردم هم باید به آن قدرت تمیز رسیده باشند که بتوانند رسانه های معتبر را از نامعتبر، و اخبار موثق را از جعلی تشخیص دهند. با توجه به وضعیت پیش آمده در کشور، قصد داریم سلسله گفت‌وگوهایی با فعالان و استادان رسانه و روزنامه نگاری داشته باشیم تا بیشتر درباره خبرنگاری بحران و راه و روش مواجهه با رسانه و خبر در زمانه بلاخیز بدانیم. برای نخستین گفت‌وگو، سراغ محمد لسانی، فعال و پژوهشگر حوزه رسانه، رفته ایم که حاصل آن در ادامه می‌آید.

● لطفا ابتدا تعریفی از «روزنامه نگاری بحران» بدهید. «روزنامه نگاری بحران» -با -بهتر است بگوئیم- «خبرنگاری بحران» به نحوه تولید و انتشار اخبار و اطلاعات در زمان بحران ها -چه بحران های طبیعی و غیرمترقبه و چه بحران های سیاسی و اجتماعی جامعه- می‌پردازد که چگونه گردش اطلاعات در جامعه شکل بگیرد تا بتواند به حفظ انسجام و وحدت آن کمک کند.

● ویژگی های کلیدی خبرنگاری بحران چیست؟

پاسخ‌گویی به افکار عمومی، شفافیت، کنترل ابعاد بحران، دعوت به مشارکت

چند تکه اسفنج

سه روایت مستند از روزهای پرتنش تاریخ

● «یادداشت های بغداد» (ژها الراضی)

معنای «هویت»، در روزهای بحرانی

«خاطرات بغداد» یا «یادداشت های بغداد» روزانه نویسی های زنی است اهل عراق در دل روزهای ملتپهیی که این کشور از سر می‌گذراند. تاریخ شروع این یادداشت ها ژانویه ۱۹۹۱ است، هم زمان با رزمزه های شروع جنگ اول خلیج فارس، و پایان آن در مارس ۲۰۰۳ رقم می‌خورد، وقتی که جنگ هشت ساله عراق با ایران تمام شده، اما این کشور همچنان در اوضاع اسفبار جنگی است. جنگی این مرتبه به سرکردگی آمریکا که به پایان حکومت صدام انجامید. یادداشت های این نقاش نوگرای عراقی البته ثبت گزارش های ژورنالیستی یا صرفاً نقل اتفاقاتی نیست که در گریودار جنگ می‌افتد، آنچه «نها» انجام می‌دهد نمایش دوازده سال از احوال مردم است در اندوه بارترین وی بی‌پناه ترین وضع ممکن اجتماعی و اقتصادی. طی روزهایی که بمب و موشک بر زندگی شان آوار می‌شود، روایت هایی کاملاً شخصی از تحریم و تبعید و چرخ زدن اطراف مفهوم «هویت». او از خودش می‌نویسد و از آدم های اطرافش. از روزمرگی در وضعیت بحرانی، از روتین اوضاع جنگی، از کم آبی، بی برقی، ترس، کمبود، غذاهای فاسد، رفت و آمدهای محدود،

شایعه های داغ، تنهایی، و رنج های مکرر و درممانده‌کننده، رنج هایی که -به قول مترجم‌اثر- دردناک تر از تحملشان این است که ببینی دنیا به کوچک ترین اهمیتی به آن هانمی‌دهد. این یادداشت ها البته همگی در بغداد نمی‌گذارند، بخشی از آن ها در بیروت اند و بخشی دیگر در آمان (اردن).

● یکی مرد دینی^{۱۱} بر آن کوه بود

که از کار گیتی بی‌اندوه بود^{۱۲}

● فرانک پدو گفت کای پاک دین^{۱۳}

منم سوگواری از ایران ز مین

● بدان کاین گرانمایه فرزند من

همی بود خواهد سر^{۱۴} انجمن^{۱۵}

● بیژد سر و تاج ضحاک را

سپارد کمر بند او خاک را^{۱۶}

۱- دینی: دین دار، پارسا.

۲- از امور دنیایی فارغ بود و -در نتیجه- از این بابت غمی نداشت.

۳- پاک دین: آن که دین راست و درست دارد.

۴- سر: سرور، بزرگ.

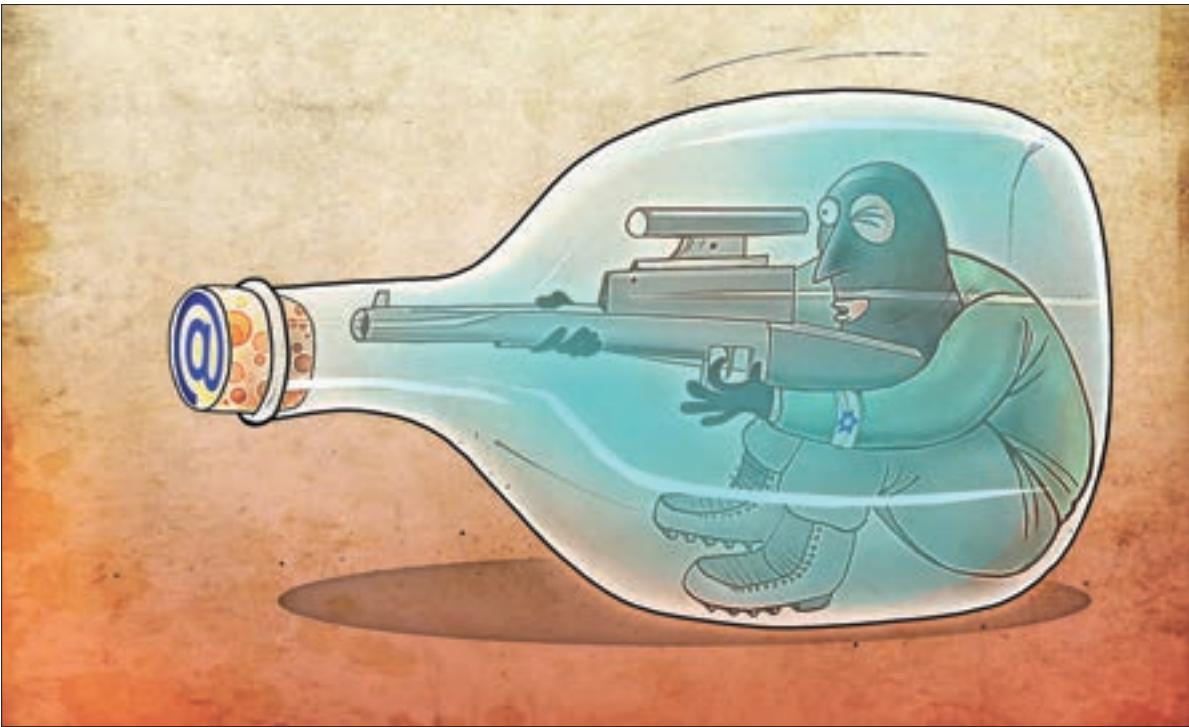
۵- انجمن: گروه، جمع، اجتماع، مردم.

۶- کمر بند او را به خاک سپارد، پشتش را به خاک بمالد، او را سرنگون کند و به زیر کشد.

۷- لرزنده: نگران.

محمد لسانی، فعال و پژوهشگر حوزه رسانه، از وظایف رسانه ها در این روزهای حساس می‌گوید

پاسخ‌گویی به افکار عمومی، رسالت خبرنگاری بحران



است. خیلی وقت ها، در بزنگاه ها و بحران ها، منابع بی نام و نشان اخبار منتشر می‌کنند، برای همین، به عنوان کاربر، باید به منابع معتبر توجه داشت. نکته دوم خودداری از فرستادن مطالب احساسی و هیجانی است. محتوایی که هیجانی هستند ویژگی هایی دارند: این محتواها، معمولاً، جعلی و تاریخ گذشته اند. نکته دوم این است که محتوای احساسی-هیجانی، اصولاً، از رفتار منطقی و مدبرانه جلوگیری می‌کند و باعث ایجاد کنش ها و واکنش هایی می‌شود که همه اش نکته سومی که باید به آن توجه داشته باشیم مسئله مهمی است که باید به آن توجه شود. نکته سومی که باید به آن توجه داشته باشیم انتشار اخبار امیدآفرین و خبرهای خوب است. این دست خبرها ممکن است از نجات افراد و اقدامات صورت گرفته و مانند این ها باشند که برای ایجاد جو مناسب و روحیه مثبت در بین مردم باید به انتشار آن ها اقدام کرد. نکته آخر هم بحث انتقاد تیز، تند و ساختار شکنانه است که خیلی وقت ها باعث ضدیت با افرادی می‌شود که دارند مدیریت بحران را انجام می‌دهند. باید دعوت به عقلانیت، و کمک کرد. افراد، به جای اینکه در مقابل هم قرار بگیرند، باید به مشارکت و کارهای همدلانه اقدام کنند.

هماهنگی و میدان داری با نهادهای رسمی یکی از ویژگی های مهم آن است.

● در چنین برهه هایی، اعتماد عمومی به رسانه ها حیاتی ترین شکل خود را دارد. چطور می‌شود مرجعیت رسانه ای را به دست آورد، بازگرداند یا حفظش کرد؟ مهم ترین مسائل عبارت اند از سرعت انتقال اطلاعات و پاسخگویی به شبهات و پرسش های افکار عمومی. سرعت از این جهت مهم است که الان، به خاطر آمدن رسانه های مجازی، خیلی وقت ها، اعتبار رسانه های رسمی کاهش پیدا می‌کند، به این خاطر که گوی رقابت را رسانه های مجازی و اکانت های بی نام و نشان ربوده اند. مسئله دیگر این است که چه چیزی برای افکار عمومی مهم است. حرکت گردش اطلاعات، به جای اینکه از رأس هرم جامعه باشد، باید از طرف قاعده هرم و مردم باشد و به این توجه شود که چه چیزی برای آن ها مهم است تا به سؤال ایشان پاسخ داده بشود.

● مردم در چنین بحرانی هایی چطور باید با رسانه و خبر مواجه شوند؟ چطور راستی آزمایی کنند تا کمتر در معرض اخبار جعلی قرار بگیرند؟ مهم ترین مسئله بحث منبع شناسی و اعتبار منبع

و استفاده از توان جمعی، و همچنین انعکاس کارهای صورت گرفته برای قوت قلب افراد از ویژگی های اصلی خبرنگار بحران است.

● ما بحران های متفاوتی داریم، اعم از طبیعی مانند سیل و زلزله، و انسانی مانند جنگ و تروریسم. خبرنگاری بحران در جنگ چه تفاوت هایی با خبرنگاری در دیگر بحران ها دارد؟

بحرانی مانند جنگ مسئله اش این است که خیلی ابعاد نگرانی و استرسش بالاتر است. به خاطر اینکه افراد احساس می‌کنند در معرض خطر جانی قرار دارند. یکی از ویژگی هایش هم این است که در هماهنگی کامل با نیروهای نظامی و مسلح است و در کشورهای مختلف دور میزی که تشکیل می‌شود از وزارت دفاع یا وزارت جنگشان هم حضور دارند، و خیلی وقت ها حتی مدیریت کار به عهده نیروهای مسلح است؛ یعنی، برخلاف سایر بحران ها که رسانه و خبرنگار، به نسبت، آزادی عمل بیشتری دارند، در خبرنگاری مربوط به بحران های جنگی، آزادی عمل عموماً کمتر است و مدیریت توسط نیروهای مسلح و نظامی انجام می‌شود. بنابراین،



چند تکه اسفنج

سه روایت مستند از روزهای پرتنش تاریخ

● «خاطرات جنگ» (چرخ اورول)

جنگ قدرت و جنگ سیاست

چرخ اورول هم شاهد جنگ جهانی اول بود و هم جنگ جهانی دوم. دوران زندگی او، همچنین، با ظهور فاشیسم و کمونیسم و تحولات عمیق اجتماعی و سیاسی همراه بود. او، در قامت یک جمهوری خواه، در جنگ داخلی اسپانیا نیز حضور داشت. اورول البته در زمان جنگ جهانی دوم، به دلیل وضعیت جسمانی خود، در ارتش پذیرفته نشد و هرآنچه را در جریان می‌کرد، حاصل همه این دیده ها و زیستن ها و تجربیات در کتاب «خاطرات جنگ» او مکتوب شده است. کتابی که از تأثیر جنگ بر زندگی مردم می‌گوید، فضای اجتماعی و سیاسی زمانه را نقد می‌کند، و بخشی از آن تجربه های شخصی و مستندنگاری های نویسنده است و بخشی دیگر تحلیل هرآنچه زیر مفاهیم قدرت، سیاست، آرمان گرایی و خیانت قرار می‌گیرد. گره خوردن زندگی چرخ اورول با جنگ و عواقب آن تحولات عقیدتی و فکری بزرگی برای این نویسنده مهم قرن بیستم در پی آورد. تغییراتی که در کتاب های مشهور او چون «قلعه حیوانات» و «۱۹۸۴» نمود یافته و -چنان که مشهود است- به استبداد و نابرابری اجتماعی مربوط می‌شود، بنابراین، «خاطرات جنگ»، علاوه بر اینکه تصویری شفاف از جنگ داخلی اسپانیا به مخاطب ارائه می‌کند. کتابی است برای آشنایی با فهم این تحول فکری و سیاسی نویسنده.

● «همینگوی خبرنگار» (ویلیام وایت)

مستندات نهفته در دل داستان ها

چنان که از عنوان کتاب برمی‌آید، «همینگوی خبرنگار» دست گذاشته است روی بُعد خبرنگاری و روزنامه نگاری نویسنده مشهور، در دوره ای که باید آن را دوره آب دیده شدن و تجربه کسب کردن همینگوی دانست در حیطه نویسندگی، زیرا -همان طور که غالباً می‌دانند- او از این مستندات در داستان های خود فراوان استفاده کرده است. این کتاب حاوی ۷۵ مقاله و گزارش خبری منتخب از چهار دهه روزنامه نگاری همینگوی است و شامل حدود یک سوم از مقالات چاپ شده این نویسنده در روزنامه ها و مجلات مختلف، بین سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۶، نوشته های همینگوی طی جنگ جهانی اول (زمانی که در روزنامه «کانزاس سیتی» مشغول بود)، مقالات او در جنگ جهانی دوم، و نمایش صحنه های نبرد در خاور دور و غرب بخشی از روایت ها و مستندات موجود در کتاب است. گزارش هایی که برخی از بُعد خبری و از منظر تحلیل نظامی شاخص اند و برخی دیگر از باب تأکید بر تنش های موجود و آنچه بر مردم می‌گذرد. ویلیام رایت، تدوین کننده کتاب، در صفحات آغازین آن، از این می‌نویسد که همینگوی، در مقام گزارشگر و خبرنگار خارجی، همچون تکه اسفنجی که آب را جمع می‌کند، دیدنی ها را می‌بیند، و تجزیه و تحلیل می‌کند، و همین تیزبینی است که از او یک گزارشگر و نویسنده قهار می‌سازد.